



دانش نیک مینش نیک نش نیک

دانشگاه جهانی کوروش بزرگ و دانش دینی

پژوهشی در شناخت زرتشت

بخش سوم: گاتها چیستند و چرا آنها را سرودهای مینومی می نامند

باشد که شهریان نیک،  
با کردار نیک و دانش و پارسایی،  
برما فرمان برانند،  
نه شهریان بد...  
برای آبادی جهان باید کوشید،  
جهان را باید بدرستی پرورانید،  
و آن را بسوی روشنایی برد. بند پنجم از سرود چهل و هشتم یسنا

گاتها کهن ترین، و والاترین بخش اوستا هستند که در میان یسنا جاداده شده اند. واژه گات یا Gatha از سوی بیشترین زرتشت شناسان جهان با «سرود» برابر دانسته شده، بنا براین «سرودهای» ورجاوند اشو زرتشت را «گاتها» ی زرتشت می نامند.

زبان **گاتهای** یکی از زبانهای کهن هند و اروپایی و از خویشاوندان نزدیک زبان سانسکریت است، اینکه چرا آنرا زبان **گاتهای** می نامند پاسخ این است که بجز **گاتهای** **زرتشت** بنمایه ی دیگری از این زبان بدست ما نرسیده است. این واژه در زبان پهلوی به **پیکرگاس Gath** یا **گاه** در آمده که رَمَن (= جمع) آن می شود «**گاسان**» یا **گاهان** ولی امروزه بیشتر به همان **پیکر «گاتها»** شناخته شده و بکار می رود. در زبان سانسکریت و در نامه های بسیار کهن دینهای برهمنی و بودایی نیز هر جا سخن سروده ای در میان سخنان ناسروده جا گرفته باشد آنرا «**گاسا**» می گویند. سرودهای زرتشت نیز چنین بوده و از همین رو «**گاتها**» نامیده شده اند. اینگونه نگارش در میان مردم جهان باستان، بویژه در میان تبارهای هند و اروپایی کاربرد بسیار داشته است، برای اینکه از دامنه ی سخن بکاهند آن را کوتاه می کردند و بگونه ای در می آوردند که در یاد و ویر مردم جا بگیرد و بماند.

از کهن ترین روزگاران تا به امروز، ایرانیان **گاتها** را سروده های فرخنده ی زرتشت دانسته و ارجی والا گذاشته اند. در اوستای روزگار ساسانی **گاتها** در سر نخستین نسک گاسانیک که **ستوت یشت Stot yasht** نامیده می شد جای داشتند. در یسنای 57 آمده است: «**ما می ستاییم فرخنده سروش را، کسی که نخستین بار پنج گاتهای زرتشت سپنتمان مقدس را بسرود.**» .

**گاتها** رویهم رفته هفده «**هائیتی**» یا بخش است که رویهم رفته 238 بند و 6000 واژه را در بر می گیرند. اینها کهن ترین سرودهایی هستند که از روزگاران دور برای ما بیادگار مانده اند.

**گاتها** از دیدگاه زبانشناسی و شیوه ی جهان بینی و هستی شناسی با دیگر بخشهای اوستا ناهمسازی بسیار دارند، برخی از واژه هایی که در **گاتها** آمده اند در دیگر بخشهای اوستا دیده نمی شوند، همانند آنها را تنها در ریگ وداها و کهن ترین نامه های دینی برهمنان می توان پیدا کرد. **گاتها** در روزگاری کهن بخشی از نامه ی بسیار بزرگی بوده اند که **هرمیپوس** تاریخ نگار یونانی از آن یاد کرده است، این نامه (= کتاب) در یورش اسکندر گجستک از میان رفت و بدست ما نرسیده است.

**گاتها** دارای پنج بخش است، به روشنی دانسته نیست که اشو زرتشت خود این بخش بندی را بجا آورده و یا سپس تر پیروان او برای اینکه کار خوانش و بیاد سپردن آنها را آسان تر کنند بنا بر وزن هر سرود و شماره ی پاره های آن این بخش بندی را کرده اند. هریک از این پنج بخش بنام نخستین واژه ی بند نخست آن سرود بترتیب زیر نامگذاری گردیده است:

- 1 – **آهنود گات** Ahnavad Gath این گات که سرود نیایش یزدان است رویهم رفته دارای هفت سرود و یک سد بند است: از یسن 27 تا یسن 34 .
  - 2- **آشتودگات** Ashtavad Gath یا **آشتوئیتی گاسا** که سرود خود شناسی است از چهار سرود و 66 بند فراهم گردیده، از یسن 43 تا 46 .
  - 3- **سپنتمد گات** Sepantmad Gath یا **سپنتامینو گاسا** خرد افزاینده - چهار سرود و 41 بند دارد از یسن 47 تا 50.
  - 4 – **وهوخشتر گات** که سرود شهریاری نیک است تنها یک سرود و بیست و دو بند دارد. یسن 51
  - 5 – **وهیشثوایش گات** Vahishto Gath یا **وهیشثو ایشتی گاسا** یا بهترین آرزو. یک سرود و 9 بند دارد. یسن 53
- در سرآغاز **آهنود گات** یک بند افزوده هست که بسیاری از گاتها شناسان آن را از خود زرتشت نمی دانند.

هر یک از این سرودهای پنجگانه دارای یک یا چند « **هائیتی** haiti » یا بزبان پهلوی **هات** است که در پارسی امروز (فصل) ویا بخش یا بند می گوئیم. یسن 35 تا یسن 41 را که « **هپت هاتی** hapta haiti » یا هفت هات می گویند.

زبانی که **گاتها** به آن به نگارش درآمده بود چندین سده پس از زرتشت اندک اندک جای خود را به گویشهای دیگر سپرد و در فراموشخانه ی تاریخ جا گرفت ولی **سرودهای زرتشت** در یادها ماندند و سینه به سینه از زامانی به زامان دیگر رسیدند و سرانجام اوستای نوین آنها را در دل خود جا داده و به ما رسانید.

نزدیک به دویست سال پیش، اوستای دوره ی ساسانی نگاه برخی از دانش پژوهان اروپایی را بسوی خود کشانید و کار بررسیهای ژرف در اوستا آغاز گردید. یکی از نخستین راهیان اوستا شناسی در جهان امروز **آنکتیل دو پرون** Anqutill Duperron فرانسوی بود. او در سال 1754 زمانی که بیست ساله و دانشجوی زبانهای خاوری بود به برگهایی از رونوشت **وندیداد** دست یافت و چنان برانگیخته شد که سرانجام بنام یک سرباز به خدمت کمپانی هند شرقی درآمد و راهی هندوستان گردید. در آنجا در خدمت **موبد داراب کرمانی** و **موبد جاماسب**، زبان اوستایی آموخت و با نوشتارهای ارزشمند خود راه را بر دیگر پژوهندگان اروپایی هموار نمود. از دیگر کوشندگانی که در زمینه اوستا شناسی نامهای سزاوار ستایش از خود برجای گذاشته اند باید از: **ویلیام جونز** - **امانوئل راسک** - **اوگن بورنوف** - **شپیگل** - **جیمز دارمستتر** - **مارتین هوگ** - **وست** -

تارا پووالا - دوشن گیمن و بس بسیاران دیگر نام برد. استاد دکتر آبتین ساسانفر استاد پیشین دانشگاه ملی، گزارش بسیار رسایی در پیشگفتار «گاتاها» برگردان هفت هات چاپ انتشارات بهجت آورده است، کسانی که خواهان دانستن چگونگی کار و کوشش این پژوهشگران هستند می توانند به آن دفتر پر بها بنگرند.

در اینجا بد نیست که با دیدگاه چند تن از اوستا شناسان نامی جهان در باره ی گاتها آشنا شویم.

**نیبرگ** که از اوستا شناسان نامی است می نویسد: «... اگر سر آن داشته باشیم که گاتها را بخوانیم یکسره به جهان دیگری جز آنچه در مهر یشت هست در می آیم. همه چیز در اینجا کهن تر و ناپیداتر از آنجا است. دورنمای گیتاشناسی در این نوشتارهای دینی که همه چیز در آنها پیرامون کانون دین می گردد در میان نیست.

زبان گاتها بسی باستانی تر و شیوه ی کاربرد آن از گونه ی دیگر است. در اینجا ما با چامه ی یکدست آریایی سروکار داریم. چامه ای که از دیدگاه سخن پردازی به ریگ ودا نزدیک می شود و فرگشت دور و درازی را پشت سر گذاشته است. گاتها با شیوایش و آراستگی بسیار ویژه ی که دارند، افزون بر درونمایه ی ورجاوند، از برونمایه ی بسیار شایان ستایش نیز برخوردارند».

استاد دکتر **علی اکبر جعفری** در نامه ی ارجمندی بنام «ستوت یسن» می نویسد:

« .. گاتها معجزه وار دست نخورده و بی کم و کاست مانده و بما رسیده و این دو انگیزه داشته: یکی به نظم بودن آن زیرا هم شعر را می توان به آسانی از بر کرد و هم کمتر می توان در آن دست برد و دوم آنکه هر خواننده و نویسنده ایمان و باوری بی مانند و ارج بس بزرگی به این کلام الهی و سخنان الهامی داشته است و بخود اجازه ی تحریف ولو آنکه برای تشریح باشد نداده در اینجا از یکسوی باید به خدای مهربان و نگهبان همه سپاس را گزارد که پیامی را که زرتشت رساند به درستی از آغاز تا انجام از هر گزندی نیک نگاه داشته و از سوی دیگر باز بر همه ی موبدان آفرین خواند که طی هزاران سال آن را چنان به لهجه ی شیرین اشو زرتشت حفظ کرده اند در جایی که در بقیه بخشهای اوستا تحریف ها و دستبردها و افتادگیها رخ داده است ».

استاد دکتر **آبتین ساسانفر** در سرآغاز گرامی نامه ی ( گاتاها - برگردان هفت هات نخستین) می نویسد: « گاتاها سروده ی های زرتشت، یکی از کهن ترین نوشته هایی است که در جهان بر جای مانده است. اگر کسانی به معجزه و کارهای بیرون از توان انسانی باور داشته باشند، پایدار ماندن گاتها پس از گذشت آن همه رویدادهای ویران کننده، خود بزرگترین معجزه است. پیشینه ی شناسایی با این گنجینه ی دانش فلسفی و

اخلاقی برای جهان غرب فقط به دویست سال پیش می‌رسد. زمان زرتشت را از 600 تا نه هزار سال پیش از میلاد روایت کرده‌اند، در حالیکه بر اساس بررسی‌های استاد **ذبیح بهروز**، اشو زرتشت 1768 سال پیش از میلاد به جهان آمده و در سن هفتاد و هفت سالگی جهان را بدرود گفته است و گو اینکه دانش اوستا شناسی در دو سده گذشته با بدست آمدن اسناد و کشفیات جدید پیشرفت کرده است ولی نباید انتظار داشت از راه بررسی دانشمندان غربی که هر کدام به نوبه‌ی خود دارای تعصبات مذهبی و ملی هستند، **گاتاها** و اندیشه‌های فلسفی زرتشت را بتوان شناسایی کرد. نظریات هر یک از زبان‌شناسان و دانشمندان که خواسته‌اند در زمینه‌ی اوستا شناسی تئوری و عقیده‌ای ارائه کنند گو اینکه از سوی گروه زیادی هم استقبال شده باشد پس از مدت کوتاهی از ارزش افتاده و اعتبار خود را از دست داده است و در زمان حاضر نیز تمام تئوری‌ها و نظریاتی که از سوی زبان‌شناسان غربی اظهار می‌شود چون نمی‌خواهند به اصول خدانشناسی (تئولوژی) و ریشه‌های فلسفی اندیشه‌های زرتشت توجه کنند، بیشتر نظراتشان بر پایه‌ی حدس و گمان استوار است و نشان‌دهنده عظمت اندیشه‌های اشو زرتشت نیست. **این وظیفه ایرانیان است که در راه شناخت هویت خود بکوشند تا فرهنگ بزرگ ملی بشکل درست و با تمام ویژگی‌های خود ارائه شود.**

به شناسایی زرتشت و ریشه‌ی اندیشه‌های ایرانی نباید فقط جنبه دینی داد چون بلافاصله چنین برداشت می‌شود که این فعالیت نوعی فعالیت دینی است و در نتیجه ایجاد کشمکش و درگیری‌های مذهبی خواهد کرد. در حالیکه زرتشت بیش از هر چیز یک دانشمند، فیلسوف و حکیم است و اندک خرافات مذهبی در سراسر گاتاها بچشم نمی‌خورد و از اوستا تنها چیزی که به زرتشت و دین زرتشتی تعلق دارد همان **گاتاها** است. در زمانی که دولتهای ایرانی نیمی از جهان را زیر قدرت و نفوذ اداری خود داشتند و به آسانی میسر بود دین خود را رواج دهند از این کار پرهیز می‌کردند. تحمیل دین و عقیده یک اندیشه غیر ایرانی است. از سوی دیگر اصول فکری و فلسفی **گاتاها** اصولی کلی و جهانی است که هر کس در هر زمان می‌تواند حقیقت آن را دریابد، اگر خواست آنرا بپذیرد، اگر نخواست نپذیرد، مانند یک ایدئولوژی و اندیشه‌ی فلسفی، آزاد اندیشی و گزینش راه و روش به پیروی از خرد یکی از آموزشهای اصلی دین زرتشت است و به این اصول فلسفی و اجتماعی که بیش از سه هزار و هفتصد سال پیش آموزش داده شده هنوز گروه زیادی از انسانها ی پیشرفته پای بندند.

استاد **ابوالقاسم پرتو** در گرامی‌نامه‌ی بسیار ارزشمندی زیر نام: «**اندیشه‌های فلسفی ایرانیان**» نمی‌نویسد: «**گات یا گاس Gath** در زبان اوستایی و در سانسکریت برابر است با «**سرود**» ولی نباید پنداشت که این سرودها دارای همان آهنگ‌هایی است که گوش ما در آشنایی با «**عروض**» و یا برخی از سروده‌های آهنگین چامه‌سرایان

همروزگارمان، شناسایی کرده است. کار ما بررسی چگونگی ساختار « گات ها » نیست که شاید آنها را بگفته ی دکتر **علی اکبر جعفری** که یکی از بزرگترین اوستا شناسان روزگار ما است بتوان با « **چامه ی آزاد** » در ادب امروز ایران برابر دانست ولی این نکته گفتنی است که نابی (= خلوص) و دست ناخوردگی **گات ها** به انگیزه ی «سرود» بودن آنها بوده، زیرا که هر سرود ه ای با کاهش یا افزایش و چه بسا با دگرگونی یک واژه ، آسیب می پذیرد و این خود راز دست ناخوردگی **گات ها** است...

**گاتها** در بردارنده ی همه ی سخنان و آموزه هایی هستند که ما بنام « **دین زرتشت** » می شناسیم و از راه آنها است که می توانیم به هستی شناسی زرتشت راه پیدا کنیم و پیام ورجاوند او را بشناسیم.

زرتشت سخنانی گفت و سرود که پیش از او هیچکس نگفته و نسروده بود، چنانچه خود در بند سوم سرود بیست و هشتم **یسنا** می گوید:

ای راستی و ای **مَنشَ نیک**،

و ای **مزدا اهورا**،

من برای شما می سرایم،

با سرودی که پیش از این کس نسروده است.

تا توانایی مینوی و پارسایی،

در ما فزونی گیرد.

از زمان زرتشت تا به امروز سخنسرایان بی شمار پا به میدان سخن سرایی گذاشته و با سرودن ترانه ها و چکامه ها و شاهنامه ها و رزمنامه های شورانگیز بزبانهای گوناگون، گلستان ادب جهان را پر رنگ و بو کردند، ولی هیچ سخنسرایی تا کنون نتوانسته بر زرتشت پیشی گیرد و سخنی فرا تر از سه گوهر بنیادین: « **اندیشه ی نیک** » – « **گفتار نیک** » – و « **کردار نیک** » در آموزه های او بسراید.

اگر نیک بنگریم بروشنی خواهیم دید که تنها آن بخش از ادب جهانی جاودانه مانده است که خمیر مایه اش از این سه پرتو خداوندی بهره گرفته باشد. جاودانگی « **شاهنامه ی فردوسی** » تنها برای این نیست که به پارسی سره سروده شده و در آن از والامندی مردم ایران سخن بمیان آمده است، جاودانگی شاهنامه برای این است که **سه گوهر اندیشه و گفتار و کردار نیک** همانند خیزابه های دل انگیز یکی پس از دیگری سر بر می آورند و چشم انداز خواننده و شنونده را شور زندگی می بخشند. هر سروده و چکامه ای که از

این سه گوهر خداوندی بی بهره باشد، پس از اندک زمانی در خاکروبه های زمان گم می شود و نشانی از آن برجای نمی ماند، بنا براین با دلیری می توان گفت که زرتشت خمیرمایه ی شاهنامه های کلان را سروده است. او از راستکاری - پیمانداری - نو شوندگی - نوسازی - از بنا کردن خانمان و روستا و شهر و کشوری آباد - از میهن پرستی - مهرگستری - دادگری - شاد زیوی - شادی پراکنی - نیک اندیشی و نیک گفتاری و نیک کرداری - از منش والا - از شهریاری - از رسایی و جاودانگی و از بسیاری دیگر از ارزشهای والا سخن گفته و زنان و مردان جهان را برانگیخته است تا با کار و کوشش در پرتو خرد و اندیشه ی نیک دستیاران خدا در کار آفرینش جهان باشند و زمین را جشنگاهی بسازند برای خود و برای آب و خاک و گیاه و جانور، و همه ی دیگر باشندگان روی آن.

زرتشت کاری به خرده ریزهای زندگی مردم نداشته و در اندیشه ی این نبوده است که چه بخورند و چگونه بخورند و کی بخورند .. او در پی ارزش های کلان بود، او در پی این بود که چگونه اندیشیدن را به مردم آموزش دهد:

31/1

ای جویندگان دانش،

اینک برای شما،

این آموزشها و سخنان ناشنوده را،

آشکار می سازم.

بیگمان، این سخنان،

برای کسانی که با آموزش دروغ،

جهان راستی را

به تباهی می کشانند، ناگوار

و برای دلدادگان مزدا بهترین است.

31/2

چون، با این آموزشهای نادرست ،

گزینش راه بهتر، روشن و آشکار نیست،

من، چونان آموزگاری،  
که برگزیده ی مزداست،  
به سوی شما می آیم،  
تا هر دو گروه را بیاموزانم  
چگونه برابر راستی زندگی کنند.  
ولی چرا گاتها را « سرودهای مینوی » می نامند؟.

در باره ی مینیو Mainyu تا کنون سخنان بسیارنا همگون گفته و نوشته شده است. برخی آن را هم‌ریشه ی من Man در چَم اندیشه دانسته اند. برخی مینو را برابر پردیس - جهان برین - و بهشت بشمار آورده اند. برخی دیگر مانند استاد ابولقاسم پرتو واژه ی {مونه} را برای آن برگزیده اند که برابر (خاصیت طبیعی) یا « ویژگی سرشتی » چیزها است. همانگونه که گرما ویژگی سرشتی آتش است و بوی خوش ویژگی گل سرخ، و تری ویژگی آب است.

شوربختانه این تنها واژه ای نیست که برگردانندگان گاتها آرشهای گوناگون و گاه ناسازگار را برای آن برگزیده اند، این نا همسانی در سراسر گاتها آنچنان است که گاه مایه ی سردرگمی دانش پژوهان را فراهم می آورد، به چند نمونه از این ناسازگاریها نگاه می کنیم.

### بند یکم از سرود سی ام:

اینک با ستایش « آهوره » و جشن « منش نیک »، خواستاران و نوید یافتگان را از آن دو پدیدار بزرگ سخن می گویم. ای نیک منشان، این {سخن} را در پرتو « آشه » و با روشنی و رامش در یابید. دکتر جلیل دوستخواه.

اینک سخن می دارم از برای آنان که خواستار شنیدن اند آنچه را که مرد دانایی باید بسپرد: از ستایش اهورا و درود بهمن و از شادمانی کسی که آن را خوب بیاد بسپرد، آن کسی که راستی و همچنان روشنایی خواهد نگریست. استاد ابراهیم پورداود

اینک برای جویندگان حقیقت و مردم دانا، از این دو پدیده بزرگ سخن خواهم گفت: روش ستایش خداوند جان و خرد، و نیایش و هومن یا منش پاک را بیان خواهم کرد، و همچنین از دانش الهی؟! و آئین راستی آشنا گفتگو خواهم نمود تا با برخورداری از رسایی نور حقیقت!! را در یابید و از نعمت فردوس!! بهره مند گردید. موبد آذر گشسب



اکنون با آنانکه خواهشمند می باشند خواهیم گفت از دو طریق که آفریده شده هستند – از-  
مزدا و این همه ( آموزش) برای دانایان است و خواهیم (برخواند) سرودها به اهورا و  
ستایشها به و هومن ( و هم چنین توضیح خواهیم داد ) آموزش نیک آشا را تا شما کامل  
گردید و به جهان روشن در آیید. پرفسور شوشتری

اینک برای آنانی که خواستار شنیدن هستند از آن دو راه اندیشیدن سخن می رانم که برای  
فرزانگان دو نکته مهمی می باشند . در ضمن به نیایش خدای پرداخته از نیک منشی و  
نیک اندیشی ستایش خواهیم کرد و از آیین راستی و درستی و پاکی گفت و گو خواهیم  
داشت . تا شما در روشنایی بوده به خرسندی برسید. دکتر علی اکبر جعفری

اینک از برای کسانی که خواستار شنیدن حقیقت هستند سخن می گویم – این گفتار از  
سوی اهورا مزدا سرچشمه راستی و نیک اندیشی است و هر که دانا و هواخواه راستی  
باشد باید به آن گوش دهد، زیرا تنها با پیروی آن می توان بره سرای درخشان فردوس راه  
یافت. موبد شهزادی

اینک گوش فرا دهید و سخنانم را بشنوید ای کسانی که برای شنیدن گرد آمده اید، سخن  
می گویم از آن دو گفتار و آن دو شیوه زیستن برای آنانی که سخنانم را می شنوند، بایستی  
این سخنان سپرده اندیشه ها شود. سرود ستایش به جا آورم برای اهورا مزدا، برای همه  
نیکی ها و راستی و روشنایی – هاشم رضی

اینک سخن می دارم برای شما ای خواستاران ، و برای شما ای دانایان، از دو نهاده ی  
بزرگ. و می ستایم ، اهورا و اندیشه ی نیک را، و دانش نیک و آیین راستی را ، تا  
فروغ و روشنایی را دریابید، و به رسایی و شادمانی برسید. دکتر حسین وحیدی

اکنون سخن می گویم برای خواستاران و نیز برای دانایان، در باره ی اندیشه هایی که بر  
پایه خرد نهاده شده با ستایش اهورا و نیایش خردمندان برای و هومن و آشا، که با روشن  
شدن دیدنی ها ( حقایق) خرسندی ( رضایت خاطر) فراهم شود. دکتر آبتین ساسانفر

چنانچه در هشت برگردان ، از بند یکم سرود سی ام گات ها دیدیم، دامنه ی ناهمسانی  
تا بدانجا فرا می رود که موبد آذرگشت بگمان اینکه به کار برگردان قران نشسته  
است! واژه ها و زبانزدهایی مانند **جویندگان حقیقت... دانش الهی .. نور حقیقت...**  
**نعمت فردوس..** بکار می برد و خواننده را سرگردان برجا می گذارد که آیا این **زرتشت**  
است که سخن می گوید یا **مهدی الهی قمشه ای!**

در سال 2005 با بیش از هشت تن از گاتها شناسانی که نامهای بزرگ دارند، گفتگو  
کرده و از آنان خواستم که برای فراهم آوردن یک برگردان یکدست و نزدیک به آنچه

زرتشت سروده است با یکدیگر همکاری و راه را بر جویندگان دانش هموار بگردانند. پیشنهاد من این بود که یک تالار در بسته ی اینترنتی در پالتاک پدید آوریم تا همه ی استادان بتوانند در هر کجای جهان که هستند هفته ای یکبار کنار هم بنشینند و با همپرسی یکدیگر واژه به واژه ی این هفده سرود را بررسی کنند و در پایان یک برگردان یکدست فرا دست دانش پژوهان و جویندگان دانش بگذارند.. دریغا که گوشی برای این دهان پیدا نشد! پاسخی که استادان به این درخواست دادند کم و بیش این بود که: **من که ترجمه کرده ام ، بروند از ترجمه ی من استفاده کنند!!!**

در بخش چهارم این جُستار به گزارش برخی از واژه های گاتها خواهیم پرداخت

پاینده ایران – هومر ابرامیان